

رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری در تبیین رابطه بین سبک دلبستگی و منبع کنترل با رضایتمندی زناشویی، در اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

دکتر غلام حسین حیدری تفرشی*

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری در تبیین رابطه بین سبک دلبستگی و منبع کنترل با رضایتمندی زناشویی، در اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. تعداد ۲۲۶ نفر از اعضای هیات علمی بر اساس روش‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه (تعداد اعضای هیات علمی هر گروه) به عنوان نمونه آماری بر اساس فرمول $n = \frac{N}{1 + \frac{N-1}{k}}$ انتخاب شدند. نوع تحقیق بر مبنای مفروضات همبستگی است. متغیر ملاک پژوهش رضایت زناشویی در چهار سطح نارضایتی شدید - عدم رضایت - رضایت نسبی و رضایت زیاد و متغیرهای پیش‌بین شامل سطح دلبستگی در سه سطح ایمن - دوسوگرا - اجتناب‌گرا و منبع کنترل در دو سطح درونی و بیرونی شامل می‌باشد. از سه پرسشنامه رضایت زناشویی، سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و منبع کنترل راتر استفاده شد. نتایج حاصل از مجذور همبستگی چندگانه نشان می‌دهد ۰/۶۱ از واریانس سبک‌های دلبستگی و ۰/۳۳ درصد از واریانس منبع کنترل توسط واریانس رضایت زناشویی تبیین شده است. ۰/۳۹ از واریانس باقی‌مانده سبک‌های دلبستگی و ۰/۶۷ از واریانس باقی‌مانده منبع کنترل توسط مدل تبیین شده که منسوب به خطاهای ساختاری می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مدل یابی معادلات ساختاری، رضایت زناشویی، سبک‌های دلبستگی و منبع کنترل

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که بر پایه ازدواج پایه ریزی شده است. در بین نهادهای مختلف جامعه، کانون خانواده بهترین مکان برای تربیت جسم و روان است. کودکان با پرورش یافتن در خانه‌ای که رنگ و بوی صمیمیت دارد، از رشد مطلوب برخوردار خواهند شد و در نهایت عضو سالمی از جامعه می‌شوند. بنابراین، خانواده تأمین‌کننده سلامت جامعه خواهد بود. بدین دلیل است که خانواده در تمام قرون از توجه خاص اکثر تحقیق‌های مرتبط با بهزیستی آدمی و جامعه برخوردار بوده است. رخدادها و تحولاتی که در قرن حاضر در زمینه‌های مختلف اتفاق افتاده، بر ابعاد و جوانب مختلف زندگی تأثیری عمیق گذاشته است، به

* عضو هیات علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

نحوی که شیوه زندگی و طرز تفکر در پی آن تغییر کرده و اندیشه‌های جدیدی را پدید آورده است. از جمله نهادهایی که تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته است، خانواده می‌باشد. مسأله ازدواج یکی از مسائل مهم و اساسی حیات بشر و جامعه بشری در طول تاریخ بوده و می‌باشد. این موضوع نه تنها مورد بحث ادیان و مذاهب، بلکه مورد بحث جامعه‌شناسی، حقوق و روان‌شناسی نیز بوده است. از هنگام شروع تحقیقات در مورد علل نارضایتی از زناشویی به عامل شخصیت، نگرش‌ها، طرز تفکر و سبک‌های دلبستگی توجه خاصی شده است.

اولین جوانه‌های ارتباط بین انسان‌ها در حریم خانواده پدیدار می‌شود. روابط درون خانوادگی از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و چگونگی این روابط نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده خواهد داشت.

به عقیده فورگاس^۱ (۱۹۸۵، به نقل از رسولی، ۱۳۸۰) زمانی که تعارض به میزان زیادی در زندگی زناشویی بروز نماید و زوجین نتوانند به نحو موثر با آن کنار بیایند، پیامدهای منفی فراوانی برای سلامت روانی و جسمی زن و شوهر و فرزندان آن‌ها به بار خواهد آمد که جنبه‌های مفید زناشویی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. البته وقوع تعارض زناشویی حتی در ازدواج‌های موفق، امری عادی تلقی می‌شود و یک رابطه صمیمانه لزوماً مترادف یک درگیری عاطفی و رفتاری با خوشی نیست، بلکه صمیمت اغلب از طریق حل موفقیت آمیز تعارض زناشویی به گونه‌ای حاصل می‌شود که رضایت طرفین را در برداشته باشد. بنابراین با توجه به اهمیت زیادی که جوامع امروزی برای استحکام و بقاء کانون خانواده و سلامت و بهزیستی افراد جامعه قائل هستند، بررسی مسائل و مشکلاتی که منجر به فروپاشی خانواده و روابط زناشویی می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، با توجه به بالا رفتن میزان طلاق و ناسازگاری زناشویی، نیاز به انجام پژوهش‌های وسیع، در این زمینه احساس می‌شود.

خشنودی، رضایت و خوشبختی زندگی نیاز به تلاش زوجین دارد (پارگر^۲ و همکاران، ۱۹۹۵). علاوه بر این، عواملی بر زندگی زوجین تأثیر گذاشته و موجب بروز ناسازگاری در زندگی می‌شود. عواملی همچون کیفیت ارتباط قبل از ازدواج، چگونگی ازدواج، شیوه ارتباطی زوجین، نوع شخصیت زوجین و روش برخورد با مشکلات زناشویی برخی از این عوامل شناخته شده است (به نقل از احمدی، ۱۳۸۳).

از جمله طرز تفکرات و نگرش‌هایی که به عنوان یک عامل موثر بر نحوه رضایت افراد و زندگی زناشویی مورد توجه واقع شده است، سازه منبع کنترل می باشد که آیا پیامدهای عمل یا رفتار شخص تحت کنترل خودش (درونی) است، یا تحت کنترل نیروهای بیرونی مثل شانس، سرنوشت، اشخاص قدرتمند می‌باشد.

عوامل موثر بر رضایت زناشویی بارها توسط محققان مطرح شده است. پیچیدگی مفهوم رضایت زناشویی و عوامل بسیار گوناگون تأثیرگذار در آن، عرصه چالش برانگیزی را به وجود آورده است. سازگار شدن با فرد دیگری که به فرهنگ و زمینه خانوادگی دیگری تعلق دارد، دشوار است، در حالی که تغییرات چرخه زندگی نیز به این پیچیدگی می‌افزاید. لذا، پژوهش حاضر درصدد است تا دریابد که آیا بین رضایت زناشویی با سبک دلبستگی و منبع کنترل رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان بر اساس مدل‌یابی معادلات ساختاری، مدلی برای تبیین رابطه بین سبک دلبستگی و منبع کنترل با رضایتمندی زناشویی، در اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ارائه داد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

پایه‌های اساسی رشد شخصیت کودکان و نوجوانان از طریق تقلید نهاده می‌شود و این شیوه تقلید بیش از آن که تقلید بصری باشد، تقلید شنیداری است. یعنی آنگاه که جنین چهارماهه می‌شود و قدرت شنیدن و درک صدا را به وضوح پیدا می‌کند، شخصیتش از طریق شنیدن کلام مادر، سخن پدر و گفت و گوهای میان آنان شکل می‌گیرد. زمانی که کودک متولد می‌شود، در صورتی که نیازهای زیستی، عاطفی و اجتماعی او را به گونه‌ای شایسته تأمین شود، به پدر و مادر خویش دلبستگی پیدا می‌کند و چنین رابطه دوستانه‌ای پایه‌های اولیه رشد سالم شخصیت اجتماعی وی را تشکیل می‌دهد (افروز، ۱۳۷۹).

چگونگی ارتباط والدین با کودک، الگوی تمام عیار ارتباطات اجتماعی برای وی به شمار می‌آید، به طوری که آن را به سادگی تعمیم داده، پیش فرض‌هایی برای خود ایجاد می‌کند و به داوری درباره شخصیت بزرگسالان می‌نشیند. یعنی اگر خدای ناکرده پدر را خشن و پرخاشگر می‌یابد و یا مادر را گوشه‌گیر و منفعل می‌پندارد، تصور می‌کند که همه مردان و زنان چنین هستند. بنابراین، تمایلات کودکان برای برقراری ارتباط با معلمان و همسالان در مدرسه و دیگر بزرگسالان جامعه، بر مبنای پنداشت‌های اولیه شکل می‌گیرد.

بنابراین سلامت جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت و تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین زن و شوهر، والدین و فرزندان بستگی دارد. رضایت زناشویی، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متفاوت است که هیچ یک به تنهایی برای ایجاد رضایتمندی کافی نیست، البته این عوامل می‌تواند در زوج‌ها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشند. یکی از عوامل اثرگذار، الگوی اسنادی فرد است. برخی از همسران، رفتارهای خود را به منابع کنترل بیرونی اسناد داده و دیگران را عامل آشفتگی‌های هیجانی و رفتارهای نامناسب خود می‌دانند، آن‌ها دچار بی‌مسئولیتی عاطفی شده و همسر خود را مسبب مشکلات زناشویی خود می‌دانند.

رضایت زناشویی جهت‌گیری و نگرش مثبت زوجین را نسبت به جنبه‌های گوناگون زندگی زناشویی نشان می‌دهد (هاوکیینز^۱، ۱۹۶۸، به نقل از الیس، ۱۹۸۹). کاهش و فقدان رضایت زناشویی، یکی از مهم‌ترین علل مراجعه زوج‌ها به مشاوران و درمانگران خانواده می‌باشد. ناهنجاری‌های خانوادگی و زناشویی از عوامل خطرناک بروز آسیب‌های روان‌شناختی در کودکان و بزرگسالان است که نظام خانواده را که در واقع زیربنای جامعه سالم است مورد تهدید قرار می‌دهد.

با توجه به موارد ذکر شده، اهمیت موضوع پژوهش حاضر به خوبی روشن می‌شود. به دلیل وجود متغیرهای پیچیده و متنوع، محققان با تمرکز بر متغیرهای مشخص می‌توانند به مجموعه عوامل موثر در رضایت زناشویی و دوام ازدواج پی ببرند و می‌تواند گامی کوچک برای شروع بررسی‌های بیشتر و پژوهش‌های بعدی باشد.

سوال پژوهش

آیا بر اساس رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری می‌توان مدلی را در تبیین رابطه بین سبک دلبستگی و منبع کنترل با رضایتمندی زناشویی، در اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ارائه داد؟

مبانی نظری

تعاریف بسیاری از رضایت زناشویی ارائه شده که تعدادی از این تعاریف در زیر آورده شده است:

1-Hawkiins

استی^۱ (۱۹۸۹) رضایت زناشویی را این گونه تعریف کرده: انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آن که در زندگی اش تجربه می کند. برخی از صاحب نظران در تعریف زناشویی آن را تابعی از مراحل چرخه زندگی می دانند (به نقل از تبریزی، ۱۳۸۳). و اما در تعریف رضایت زناشویی الیس^۲ (۱۹۸۹) در کتاب خود تحت عنوان «زوج درمانی بر اساس نظریه عقلانی-هیجانی» تعریفی از هاوکینز وینچ^۳ و همکارانش (۱۹۷۴) ارائه داده است که رضایت زناشویی را احساس خوشایندی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر به هنگامی که تمام جنبه های ازدواج شان را مورد توجه قرار می دهند، تعریف می کند. وینچ و همکارانش معتقدند که رضایت زناشویی از انطباق بین وضعیتی که مورد انتظار است و وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی حاصل می شود و در واقع نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه های مختلف روابط زناشویی خود دارند که این تعریف در پژوهش حاضر مد نظر قرار دارد.

امیلی استون^۴ و تد شاکلفورد^۵ (۲۰۰۶) رضایت زناشویی را یک حالت روانی می دانند که هزینه ها و سود ادراک شده ازدواج با یک شخص خاص را منعکس می کند. به این ترتیب که ادارک هزینه زیاد تحمیل شده بر فرد در ازدواج، رضایت را کاهش می دهد و همچنین در ازدواج ادراک سود بیشتر، متقابلاً رضایت را افزایش می دهد (استون و شاکلفورد، ۲۰۰۶). احمدی (۱۳۸۳) عوامل موثر بر رضایت زناشویی را در دو مقوله کلی دسته بندی می کند که عبارتند از:

الف: عوامل زمینه ای که شامل شرایط خانوادگی، تحصیلات، سن ازدواج، فرزندان، طول ازدواج، اشتغال، مسایل عقیدتی-مذهبی، کیفیت ازدواج والدین، نوع جامعه و طبقه اجتماعی.

ب: عوامل ارتباطی که آن هم شامل پذیرش و احترام متقابل، توجه و مراقبت، اعتماد، همدلی و مهربانی، تعهد و وفاداری، رابطه با خویشاوندان و اقوام، همکاری زوجین و کمک به یکدیگر، کیفیت گذراندن اوقات فراغت، روابط جنسی، درک متقابل، سهیم شدن زوجین در تصمیم گیری ها و اقتصاد، ابراز احساسات و محبت و رابطه صمیمی، حمایت و قدردانی، چگونگی ارتباط قبل از ازدواج، داشتن انتظارات واقعی و داشتن مهارت های حل مشکل می باشد (احمدی، ۱۳۸۳).

1 -Sity

2 -Ellis

3 -Hawkins Wich

4-Emily A.stone

5 -Ted.shackeford

تبریزی (۱۳۸۳) نیز به عوامل زیر در ارتباط با رضایت زناشویی اشاره می کند: ۱- سن
 ۲- تعادل سطح تحصیلات ۳- فرزندان ۴- طول ازدواج ۵- درک همسر ۶- توجه و علاقه
 ۷- ابراز محبت و صمیمیت ۸- حمایت ۹- مسائل عقیدتی ۱۰- مسایل مالی ۱۱- اقوام و
 دوستان ۱۲- مسایل جنسی ۱۳- صرف اوقات فراغت با هم ۱۴- دخالت دادن زن در تصمیم
 گیری‌ها ۱۵- اشتغال ۱۶- میزان شناخت از همدیگر ۱۷- داشتن انتظارات واقعی
 ۱۸- ارتباطات (تبریزی، ۱۳۸۳).

روان شناسان، نخست به این نظریه معتقد بودند که دلبستگی به مادر از آن رو حاصل
 می شود که او منبع غذاست، یعنی یکی از اساسی ترین نیازهای کودک را تأمین می کند؛ ولی
 برخی واقعیات با این نظریه مطابقت ندارند (همان منبع). جان باولبی^۱ در دهه‌های ۱۹۵۰
 و ۱۹۶۰ بیشترین بررسی‌ها را دربارهٔ وابستگی نوزاد انسان انجام داد. نظریه او تلفیق مفاهیم
 نظریه‌های روانکاوی، کردارشناسی، و روان شناسی شناختی است. بنابر نظریه دلبستگی، اگر
 کودکی در سال های نخست زندگی نتواند دلبستگی توأم با احساس امنیت، حداقل با یک نفر
 برقرار کند، در بزرگسالی قادر به ایجاد روابط صمیمانه فردی نخواهد بود (باولبی، ۱۹۷۳).

دلبستگی که از دیدگاه تحولی، پیوند عاطفی بین مادر- کودک است، یک رابطه نسبتاً پایدار
 است که در آن انگارهٔ دلبستگی به عنوان یک موضوع بی همتا و غیر قابل جایگزین با فرد دیگر
 مطرح می‌شود. در این رابطه فرد تمایل زیادی برای تداوم صمیمیت و نزدیکی با انگارهٔ
 دلبستگی دارد و در هنگام غیبت آن، تلاشی برای برقراری مجدد مجاورت و تعامل صورت
 می دهد. دلبستگی یک رابطه عاطفی است و آشناترین مثال آن رابطه‌ای است که بین شیرخوار
 و مراقبت کنندهٔ اولیه اش ایجاد می شود. این رابطه دارای ویژگی‌هایی است که آن را از انواع
 دیگر روابط جدا می کند (هایند^۲، ۱۹۷۹). از آن جمله:

- ۱- آن‌ها انتخابی هستند، یعنی روی افراد خاص که رفتار دلبستگی را در یک موقعیت فرا
 می خوانند، متمرکز هستند و در حقیقت دامنهٔ آن‌ها محدود به افراد خاصی است.
- ۲- آن‌ها تقریب جویی فیزیکی را دارا می باشند، یعنی منجر به کوشش برای حفظ مجاورت یا
 موضوع دلبستگی می شوند.
- ۳- آن‌ها امنیت و آسایش را فراهم می کنند که این منجر به دستیابی به مجاورت می شود.

۴- آن‌ها زمانی که رابطه قطع می‌شود و مجاورت نمی‌تواند حاصل شود، اضطراب جدایی را ایجاد می‌کنند.

رفتارگرایان هیچ ارجاعی به حالت‌های درونی نظیر اضطراب، سایق‌های انگیزه‌ها یا مکانیزم‌های دفاعی نمی‌کنند و شخصیت را چیزی بیش از مجموعه پاسخ‌های یاد گرفته شده به محرک‌های بیرونی و نظام‌های عادت نمی‌دانند. این افراد نوعی نگرش جبرگرایانه نسبت به انسان دارند. انسان‌گرایان برخلاف این دو دیدگاه، انسان را حاکم بر سرنوشت خود می‌دانند و بر نیروها و آرزوهای انسان، اراده آزاد و تحقق امکانات و استعداد‌های انسان تأکید می‌ورزند و او را موجودی خلاق، در حال رشد و شکوفایی، که می‌داند چه می‌کند و کاملاً بر رفتار خود کنترل دارد، می‌شناسد (شولتز، ۱۹۹۴، به نقل از صفاری مقدم، ۱۳۸۷).

بحث در مورد مفهوم منبع کنترل به عنوان یک سازه روان‌شناختی به طور رسمی به نیمه دوم قرن بیستم بر می‌گردد. این نظریه که مبتنی بر افکار جولیان راتر است به دنبال شکل‌گیری یکی از نظریه‌های مهم انگیزه‌شناختی به نام نظریه اسناد به وجود آمده است که لازم است موقتاً این نظریه به عنوان پایه نظریه منبع کنترل مورد بررسی قرار گیرد.

نظریه (اسناد) یکی از نظریه‌های شناختی روان‌شناسی است که توسط فریتز-هایدر^۱ در سال (۱۹۵۸) بنیان گذاشته شده است. بعد از وی برنارد واینر^۲ (۱۹۸۰، ۱۹۷۲، ۱۹۸۲) از افراد مهمی است که در این زمینه فعالیت داشته است (به نقل از صفاری مقدم، ۱۳۸۷).

فرض عمده نظریه اسناد این است که جستجو برای درک و فهم امور و علل رویدادها، مهم‌ترین منبع انگیزشی انسان است. بنابراین هدف این نظریه، پیدا کردن راه‌هایی است که در آن افراد به توضیح و تبیین رویدادها و روابط علت و معلولی بین آن‌ها می‌پردازند (فهللی، ۱۳۷۸).

بررسی رابطه رضایت از زناشویی با منبع کنترل، عنوان پژوهشی است که توسط گودرزی در سال ۱۳۷۸ در شهر تهران انجام شده است. در این تحقیق ۹۳ نفر مرد و زن از کادر بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی به پرسشنامه آزمون سنجش منبع کنترل با گرایش‌های (IPC) لونسون و پرسشنامه رضایت از زناشویی را، نسخه فارسی که توسط محقق تحلیل عاملی شده است، تکمیل کرده‌اند. داده‌های پژوهش نشان داد که بین منبع کنترل درونی (I) و مولفه‌های رضایت زناشویی یعنی (رضایت از دیدگاه همسر، رضایت جنسی و درک و تفاهم) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. از طرف دیگر یافته‌ها نشان داد که بین منبع کنترل با گرایش اعتقاد به

1- Frites & Haider

2- weiner

قدرتمند بودن دیگران و رضایت زناشویی (رضایت از دیدگاه همسر، درک و تفاهم) رابطه منفی و معنادار وجود دارد، اما منبع کنترل اعتقاد به قدرتمند بودن دیگران و رضایت از زناشویی (رضایت جنسی) رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به تحقیقی که (مظاهری ۱۳۷۹، به نقل از تابع جماعت، ۱۳۸۶) در مورد سبک دلبستگی زوجین انجام داد که، رابطه قوی و مهمی میان دلبستگی با ساختار خانواده و سازگاری زناشویی وجود دارد. این ارتباط به ویژه در زمانی که سبک دلبستگی همسران با یکدیگر جفت می شود و سازگارانه ترین نوع ارتباط و بالاترین رضایتمندی زناشویی را زوج های (ایمن - ایمن) و پایین ترین میزان آن در زوج های (اجتناب گرا - اجتناب گرا) مشاهده شد.

به نقل از تابع جماعت (۱۳۸۶) در تحقیق برن و شیور (۱۹۹۵) که تحت عنوان ابعاد سبک های دلبستگی بزرگسالان و اثرات آن بر روی تفاهم زناشویی صورت گرفت، مشخص شد که سبک های دلبستگی از عوامل تعیین کننده روابط بین فردی از جمله تفاهم زناشویی است. افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، درک عمیق تری را از روابط به صورت بالاتر نشان می دهند و این افراد از اشتراک های بالاتری در روابط بین فردی برخوردارند. فرضیه های این تحقیق از طریق تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفته و عنوان می شود که می توان سبک های دلبستگی را به عنوان عاملی تعیین کننده در زمینه تفاهم زناشویی محسوب کرد.

در پژوهش تیموری و ابراهیم بخشی که جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل داده بودند و نمونه پژوهش متشکل بود از ۱۲۰ دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) که به صورت تصادفی انتخاب و با پرسشنامه دلبستگی بزرگسال کولینز ورید (RAAS) و پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI ارزشیابی شدند. یافته های پژوهشی نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با برون گرایی در دختران، بین سبک دلبستگی مضطرب یا مقاوم با نوروگرایی در دختران، و بین سبک دلبستگی مضطرب یا مقاوم با نوروگرایی در پسران رابطه معناداری وجود داشت و بین دیگر سبک ها دلبستگی با ویژگی های شخصیتی، رابطه معناداری وجود نداشت. آنچه از یافته های این پژوهش به دست آمد، این است، خانواده در دوران کودکی فرزندان در شکل دادن به هویت و دلبستگی ایمن آن ها نقشی تعیین کننده دارد. به طوری که والدین یا مراقبت کننده کودک از طریق تعاملات و رفتارهای مناسب بر کودکان تأثیر می گذارند (منبع اینترنت).

فراست تحقیقی تحت عنوان «بررسی و مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل (معلم) و خانه دار» در سال ۱۳۸۱ در شهر تهران انجام داده است. در این تحقیق ۲۰۰

نفر زن شاغل (معلم) و خانه دار پرسشنامه منبع کنترل راتر (I-E) و رضایت زناشویی (Enrich) را تکمیل کردند. نتایج حاکی از آن است که بین منبع کنترل و رضایت زناشویی در زنان شاغل و خانه دار به طور معناداری رابطه وجود ندارد. از طرف دیگر یافته ها نشان داد که بین منبع کنترل زنان شاغل و خانه دار به طور معناداری تفاوت وجود دارد، مبنی بر این که زنان شاغل، منبع کنترل بیرونی تری نسبت به زنان شاغل داشتند. همچنین بین میزان رضایت زناشویی زنان شاغل و زنان خانه دار تفاوت معناداری وجود دارد و زنان خانه دار رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود داشتند.

مقایسه رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی، عنوان پژوهشی است که توسط خطیبی در سال ۱۳۸۳ در شهر تبریز انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از این است، زمانی که سبک دلبستگی زن و شوهر یکسان است. به عبارت دیگر، هر دو ایمن یا هر دو اجتنابی یا هر دو دوسوگرا هستند، رضایت زناشویی آن‌ها بالاتر از زوج‌هایی است که سبک دلبستگی غیر یکسان دارند. در میان سبک‌های مختلف دلبستگی، پایین‌ترین رضایت زناشویی متعلق به زوج‌هایی بود که یکی از آن‌ها سبک دلبستگی اجتنابی و دیگری سبک دلبستگی دو سوگرا داشتند. از دیگر نتایج این پژوهش این بود که مردان نسبت به زنان رضایت زناشویی بالاتری دارند. رضایت زناشویی مردان دلبسته ایمن در کل نمونه نیز بالاتر از زنان دلبسته ایمن بود، ولی رضایت زناشویی مردان دلبسته دوسوگرا و زنان دلبسته دو سوگرا و همین‌طور رضایت زناشویی مردان دلبسته اجتنابی و زنان دلبسته اجتنابی تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشت.

پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با تئوری منبع کنترل درونی- بیرونی راتر و پیامد آن، پژوهش‌های سلیگمن و پترسون (۱۹۸۸) مبین آن است که گرایش افراد به یکی از دو منبع کنترل درونی- بیرونی با افسردگی، سلامت فرد و عملکرد شغلی او ارتباط دارد. این دسته از پژوهش‌ها نشان داده است که بین سبک‌های اسنادی فرد (اعتقاد به منبع درونی و بیرونی) با مقاومت در برابر فشارهای شغلی و یا مشاغل فشارزا (مانند مدیریت) رابطه وجود داشته و افراد با منبع کنترل درونی، مقاومت بیشتری در مقابل فشارها و استرس‌های شغلی نشان می‌دهند. برعکس افراد با منبع کنترل بیرونی در مواجهه با فشارهای شغلی چندان مقاوم نیستند.

در تحقیق سیمپسون (۱۹۹۰) که تحت عنوان «اثرات سبک‌های دلبستگی بر تفاهم زناشویی» صورت گرفت، به اثرات سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی بر تفاهم زناشویی پرداخته شد. با استفاده از روش تحقیق طولی تعداد ۱۴۴ زن و شوهر مورد بررسی قرار گرفتند.

در نهایت مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن با احترام، تعهد و تفاهم بیشتری در ارتباط است تا سبک دلبستگی اجتنابی یا اضطرابی (به نقل از اینترنت).

در مطالعه دیگری که فینی^۱ (۲۰۰۲) انجام داد، دریافت که امنیت زیاد، دلبستگی و رفتارهای مثبت همسران در رضایت از ازدواج نقش دارد. افرادی که احساس امنیت ندارند، به خصوص آنهایی که دلبستگی همراه با نگرانی دارند، نسبت به رفتارهای مثبت و به خصوص منفی همسر خود واکنش بیشتری نشان می دهند. این الگو همچنین در مورد کسانی که احساس و حتی صمیمیت کمتر داشتند نیز صدق می کرد.

در تحقیق کالینز و فینی^۲ (۲۰۰۳)، به نقل از عارف نظری، (۱۳۸۵) که درباره عوامل موثر بر سبک های دلبستگی صورت گرفت، به بررسی ارتباط حمایت جویی و روابط بین فردی صمیمی با سبک های دلبستگی پرداخته شد. با استفاده از بررسی ۹۳ زن و شوهر و داده های تجربی که به دست آمده و تحلیل های آماری مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن باعث می شود که تداوم بیشتری در روابط بین فردی صمیمی به وجود آید. سبک دلبستگی اجتنابی به دنبال حمایت جویی موثر نمی رود.

روش پژوهش

نوع تحقیق بر مبنای مفروضات همبستگی می باشد. متغیر ملاک پژوهش رضایت زناشویی در چهار سطح نارضایتی شدید- عدم رضایت- رضایت نسبی و رضایت زیاد و متغیرهای پیشبین شامل سطح دلبستگی در سه سطح ایمن- دوسوگرا- اجتناب گرا و منبع کنترل در دو سطح درونی و بیرونی شامل می باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری مورد مطالعه شامل اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. برای برآورد حجم نمونه آماری بر اساس فرمول $50 + 8n$ عمل می شود. به این صورت تعدادی متغیر بوده و با وجود ۱۶ متغیر در این تحقیق، $(16 \times 8) + 50$ یعنی ۱۷۸ نفر از اعضای هیات علمی بر اساس روش های نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم جامعه (تعداد اعضای هیات علمی هر گروه) این تعداد انتخاب خواهند شد که با توجه به احتمال ریزش نمونه این تعداد به ۲۵۰ نفر افزایش داده شد که در نهایت تعداد ۲۲۶ پرسشنامه عودت و مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش و نحوه اجرا

در این تحقیق از سه پرسشنامه به شرح طیل استفاده شد:

پرسشنامه رضایت زناشویی (ENRICH):

این پرسشنامه دارای ۱۱ خرده مقیاس و ۴۷ سوال است و به صورت ۵ گزینه ای است. خرده آزمون ها و سوالات مربوط به آن ها به این صورت است:

اعتبار و روایی پرسشنامه

سلیمانیان (۱۳۷۳؛ به نقل از جوانمرد، ۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی» دربارهٔ روایی و اعتبار این پرسشنامه اظهار می دارد که برای استفاده از این پرسشنامه در پژوهش، ابتدا پرسشنامه ترجمه شد. سپس سوالات به رویت متخصصان روان شناسی رسانده شد و روایی محتوای پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله بعد پرسشنامه روی ۱۱۰ نفر اجراء شد و ضریب اعتبار آن به صورت آلفا محاسبه شد که عدد ۰/۹۳ به دست آمد. با توجه به زیاد بودن سوال های پرسشنامه (۱۱۵ سوال) که موجب خستگی آزمودنی ها می شد، تصمیم گرفته شد که فرم کوتاهی از آن تهیه شود. برای این منظور، ابتدا همبستگی هر یک از سوالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه شد و سپس ۴۷ سوال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند، از مقیاس های مختلف پرسشنامه انتخاب گردید و مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سوالی بر روی یک گروه ۱۱۰ نفری محاسبه شد. ضریب اعتبار ۰/۹۵ به دست آمد.

ضریب همبستگی پرسشنامه «رضایت زناشویی- انریچ» با مقیاس های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه روایی سازه آن است. کلیه خرده مقیاس های این پرسشنامه زوج های راضی و ناراضی را متمایز می کنند و این نشان می دهد که این پرسشنامه از روایی ملاکی خوبی برخوردار است (ثنایی، علاقه بند و هومن، ۱۳۷۹).

پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان (AAS)^۱

این آزمون یک ابزار دقیق و بسیار متداول در اندازه گیری سبک های دلبستگی بزرگسالان است که توسط هزن و شی ور (۱۹۸۷) طراحی شده است. این آزمون یک ابزار اندازه گیری تک

عاملی خود گزارش دهی است که با روابط بزرگسالان تطبیق داده شده است. مفروضه اصلی این آزمون آن است که مشابهت هایی از سبک های دلبستگی نوزاد - مراقب را می توان در روابط بزرگسالان یافت (مظاهری، ۱۳۷۷، به نقل از فیینی، ۱۹۹۴).

این ابزار اندازه گیری حاوی سه عبارت توصیفی از احساس های فرد درباره نوع رابطه امن و میزان نزدیکی و صمیمیت در روابط است که بر اساس تعمیم توصیف های اینزورث و همکاران (۱۹۸۷) از طبقه بندی های دلبستگی نوزادان به گونه ای که با ویژگی های روابط بزرگسالان متناسب باشد، طراحی شده است.

در این پرسش نامه هر توصیف یکی از سبک های دلبستگی را نشان می دهد (ایمن، اجتناب کردن و دوسوگرا) که آزمودنی ها می باید یکی از این توصیف ها که بهتر از دو توصیف دیگر احساس آن ها را در روابط نزدیک و صمیمی توصیف می کند، انتخاب کنند (مظاهری، ۱۳۷۷؛ گری، ۲۰۰۱؛ به نقل از هنز و شی ور، ۱۹۸۷).

روش انتخاب اجباری، پاره ای از محدودیت های روان سنجی و آماری ایجاد می کند که به منظور غلبه بر این محدودیت ها برخی محققان (فیینی و نولر^۱، ۱۹۹۰) توصیه کرده اند تا کاربرد پذیری هریک از توصیف ها توسط آزمودنی ها بر روی یک مقیاس لیکرتی ۹ درجه ای مشخص شود (مظاهری، ۱۳۷۹).

در تحقیق حاضر از این شیوه برای اجرای مقیاس دلبستگی بزرگسالان استفاده شده است. بدین ترتیب که آزمودنی ها علاوه بر انتخاب یکی از سه توصیف موجود برای هر توصیف نمره ای از (۱) تا (۹) را اختصاص دادند. در صورتی که نمره اختصاص داده به دو یا سه مقیاس با یکدیگر برابر بودند، انتخاب آزمودنی از سه گزینه ملاک واقع می شود. در غیر این صورت، گزینه ای که بالاترین نمره را به خود اختصاص داده، به عنوان سبک دلبستگی آزمودنی محسوب می شود.

اعتبار و پایایی

پژوهشگران متعددی ویژگی های روان سنجی این ابزار خود گزارش را در رضایت بخش دانسته اند. این ابزار نشان داده است که به شکل بسیار نیرومندی می تواند ویژگی های ارتباطی و سبک های دلبستگی را در بزرگسالان پیش بینی کند.

روایی این پرسشنامه از نوع روایی محتوایی است، بدین معنی که محتوای گویه های آن با مفاهیم ساختاری نظریه دلبستگی و بسط عامل آن به روابط بزرگسالان، هم خوانی و هماهنگی کامل دارد. ضریب پایایی این پرسشنامه در دو تحقیق مختلف (صدقی طارمی، ۱۳۸۳؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۸۲) به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۲ گزارش شده است.

مقیاس منبع کنترل راتر (I-E):

مقیاس منبع کنترل که در سال ۱۹۶۶ توسط راتر طراحی و تدوین شده است، جهت سنجش منبع کنترل در این پژوهش به کار رفته است. به زعم ساموئل بال، پرسشنامه راتر به گونه ای گسترده در پژوهش های منبع کنترل مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه احتمالاً بهترین آزمون موجود برای استفاده در مورد بزرگسالان، دانشجویان و دانش آموزان بالای سن دبیرستان است. این مقیاس دارای ثبات درونی و پایایی بازآزمایی خوبی است. همبستگی اش با مطلوبیت اجتماعی کاملاً پایین بوده و ارتباطی با هوش و جنسیت ندارد و برای سنجش منبع کنترل در بزرگسالی یکی از پر استفاده ترین آزمون هاست. لذا در این پژوهش، پرسشنامه راتر به پرسشنامه های مشابه آن از جمله پرسشنامه جی ام^۱ و ناویکی استریکلند ترجیح داده شده و از آن استفاده می کنیم. این مقیاس از ۲۹ ماده تشکیل شده است و هر ماده دارای دو جمله است. آزمودنی بایستی یکی از جملات الف یا ب را انتخاب نماید. یکی از دو جمله هر ماده مربوط به کنترل بیرونی و دیگری مربوط به کنترل درونی است (غضنفری، ۱۳۷۱).

روایی مقیاس منبع کنترل:

فرانکلین (۱۹۶۶) بر روی نمرات ۱۰۰۰ نفر، تحلیل عاملی انجام داد و دریافت که همه سوالات همبستگی معناداری با عامل کلی مشخصی دارند و این عامل را در حدود ۰/۵۳ درصد کل واریانس محاسبه کرده اند (به نقل از بیابان گرد، ۱۳۷۱).

موفق (۱۳۷۵) برای بررسی روایی مقیاس منبع کنترل درونی- بیرونی راتر از روایی ملاک همزمان استفاده کرد و مقیاس منبع کنترل درونی- بیرونی نوکی استریکلند را به عنوان ملاک آن مورد استفاده قرار داد که روایی به دست آمده با روش مذکور برابر با ۰/۳۹ می باشد.

پایایی مقیاس منبع کنترل:

متوسط ضرایب پایایی این مقیاس با روش های تنصیف^۲ و کودر- ریچاردسون^۳ در بسیاری از پژوهش ها بیشتر از ۰/۷۰ بوده است (بیابان گرد، ۱۳۷۱). غضنفری (۱۳۷۱) مقدار ضریب پایایی

1- J.M.Burger

2- Split-Half

3- Kuder-Richardson

را برای نمونه های ایرانی با روش کودر- ریچاردسون $0/70$ به دست آورده است. ضرایب پایایی این آزمون از طریق آزمون جدید در فواصل یک یا دو ماه، بیانگر قابلیت تکرار پذیری آزمون است. این ضرایب از نمونه های مختلف به دست آمده است. ضریب پایایی $0/72$ در فاصله یک ماه به دست آمده است (بیابان گرد، ۱۳۷۱).

صبوری مقدم (۱۳۷۲) با استفاده از روش دو نیمه کردن، پایایی این مقیاس را در حدود $0/81$ به دست آورده است. ابراهیمی قوام (۱۳۷۰) پایایی مقیاس منبع کنترل راتر را در نمونه دانش آموزان به روش بازآزمایی مجدد $0/73$ به دست آورده است (کاکاوند، ۱۳۸۱).

موفق (۱۳۷۵) روی نمونه ۶۰۰ نفری ضریب پایایی مقیاس منبع کنترل راتر را با روش کودر- ریچاردسون برابر با $0/628$ ، همچنین ضریب پایایی را با روش دو نیمه ای گاتمن برابر $0/634$ محاسبه کرده و ضریب پایایی این مقیاس را با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون برابر $0/635$ به دست آورده است.

تحلیل داده های حاصل از اجرای پرسشنامه در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه می شود. در بخش آمار توصیفی متغیرهایی که از نظر مقیاس اسمی و کیفی هستند، از طریق جداول فراوانی و نمودارها توصیف می شوند. در ادامه با محاسبه نسبت کجی بر خطای معیار کجی نرمال بودن داده ها با استفاده از $Z = 1/96$ مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت با فرض نرمال بودن داده ها از مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Amos استفاده گردید.

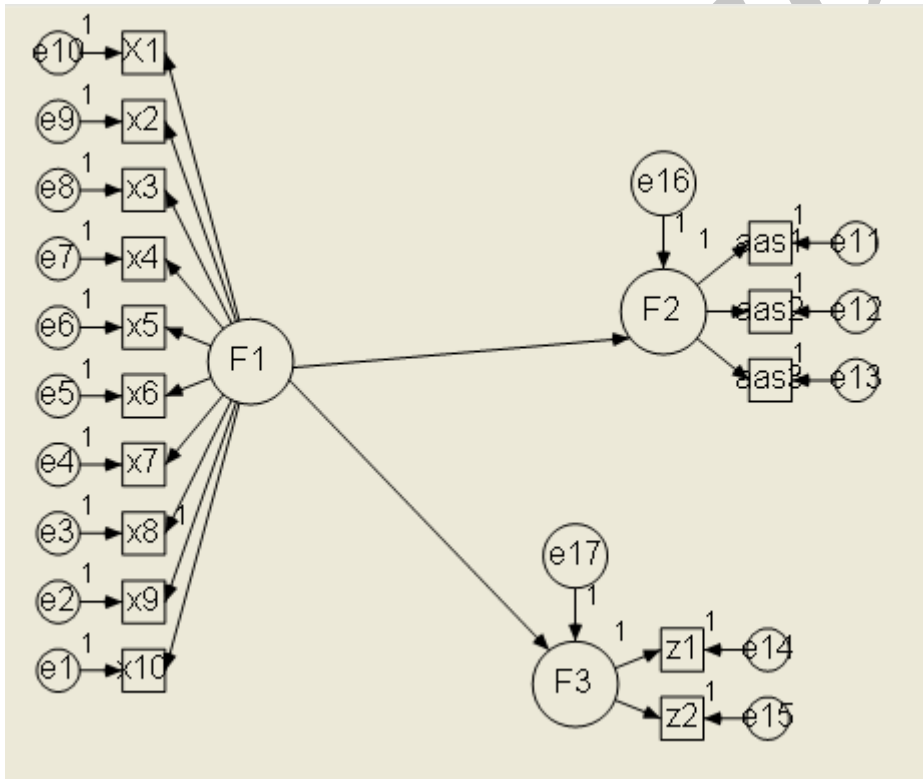
تحلیل سوال پژوهش

آیا بر اساس رویکرد مدلیابی معادلات ساختاری می توان مدلی را در تبیین رابطه بین سبک دلبستگی و منبع کنترل با رضایتمندی زناشویی، در اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ارائه داد؟

در تحلیل این سوال از مدلیابی معادلات ساختاری که با ارائه مدل های اندازه گیری روابط علی میان متغیرها مورد بررسی و مقدار واریانس تبیین شده نیز در هر مدل مشخص شده است، استفاده گردید. از روش پیشینه احتمال maximum likelihood برای برآورد مدل، و از شاخص مجذور کای (χ^2)، شاخص نرم شده مجذور کای (χ^2/df)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI) و جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برای بررسی چگونگی بر ارزش مدل با داده ها استفاده

شده است. اگر مجذور کای از لحاظ آماری معنادار نباشد بر برازش مناسب مدل دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ تر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای بررسی برازش مدل تلقی نمی‌گردد. اگر چه هیچ قانون روشنی درباره ارزش قابل قبول مجذور کای نرم شده وجود ندارد، با این وجود اغلب صاحب نظران مجذور کای نرم شده کوچک تر از ۳ را نشان دهند برازندگی مناسب مدل تلقی می‌کنند.

نمودار مسیر برای متغیرها



متغیرهای مورد استفاده در این مدل به ترتیب:

F1: متغیر پنهان رضایت زناشویی

X1: تحریف آرمانی، X2: مسایل شخصیتی، X3: ارتباطات، X4: حل تعارض، X5: مدیریت مالی، X6: فعالیت های اوقات فراغت، X7: روابط جنسی، X8: فرزندان و فرزند پروری، X9: رابطه خانواده با دوستان، X10: جهت گیری مذهبی

E1 تا E10 خطاهای اندازه گیری

F2: متغیر پنهان سبک های دل بستگی

AAS1: سبک دل بستگی ایمن، AAS2: سبک دل بستگی اجتناب کردن، AAS3: سبک دل بستگی دوسوگرا

E11 تا E13 خطاهای اندازه گیری

E16: خطای ساختاری در تبیین سبک های دل بستگی

F3: متغیر پنهان منبع کنترل

Z1: منبع کنترل درونی، Z2: منبع کنترل بیرونی

E14 تا E15 خطاهای اندازه گیری

E17: خطای ساختاری در تبیین منبع کنترل

می باشند که با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری محقق در پی ارائه مدلی علی برای روابط بین این متغیرها بوده است. مقدار χ^2 دو (۵۷۷/۹۴۹) با درجه آزادی ۸۸ و احتمال معنی داری در حد ۰/۰۰۰ بیان کننده این مطلب است که برازندگی قابل قبول مدل با داده مورد تایید نمی باشد.

جدول ۱. اوزان رگرسیون و مجذور همبستگی چندگانه

			Estimate	S.E.	C.R.	P
F2	<---	F1	۰/۷۰۰	۰/۱۹۳	۳/۶۲۶	***
F3	<---	F1	۶/۹۸۶	۱/۷۴۲	۴/۰۱۰	***
x10	<---	F1	۱/۰۰۰			
x9	<---	F1	۰/۲۳۷	۰/۲۲۳	۱/۰۶۴	۰/۲۸۷
x8	<---	F1	۲/۹۱۹	۰/۶۹۵	۴/۱۹۹	***
x7	<---	F1	۵/۳۹۸	۱/۲۴۹	۴/۳۲۲	***
x6	<---	F1	۶/۲۴۶	۱/۴۴۴	۴/۳۲۵	***
x5	<---	F1	۴/۴۶۷	۱/۰۳۸	۴/۳۰۳	***
x4	<---	F1	۵/۳۸۱	۱/۲۴۷	۴/۳۱۷	***
x3	<---	F1	۶/۸۱۳	۱/۵۷۳	۴/۳۳۱	***
x2	<---	F1	۴/۸۶۰	۱/۱۳۰	۴/۳۰۰	***
X1	<---	F1	۴/۱۵۴	۰/۹۷۲	۴/۲۷۶	***
aas1	<---	F2	۱/۰۰۰			
aas2	<---	F2	۰/۶۹۱	۰/۱۰۴	۶/۶۴۳	***
aas3	<---	F2	۱/۱۴۱	۰/۱۴۵	۷/۸۴۳	***
z1	<---	F3	۱/۰۰۰			
z2	<---	F3	۱/۱۶۸	۰/۱۳۵	۸/۶۲۹	***

در توصیف جدول اوزان رگرسیون ضرایب برآوردی استاندارد نشده باید گفت ارزش کوچک‌تر SE بیانگر کارایی بیشتر متغیر پیش بین و نسبت بحرانی، آزمون معنادار بودن ضرایب مسیر می باشد که ارزش CR از طریق تقسیم پارامتر برآوردی بر خطای استاندارد آن به دست آمده و تقریباً دارای توزیعی همانند Z می باشد. در این صورت ارزش CR بزرگ تر از مقدار حدی $\pm 1/96$ نشان دهنده مسیر معنادار می باشد. بر مبنای این معیار، متغیر پنهان رضایت زناشویی با متغیرهای آشکار یا مشاهده شده X1: تحریف آرمانی، X2: مسایل شخصیتی، X3: ارتباطات، X4: حل تعارض، X5: مدیریت مالی، X6: فعالیت های اوقات فراغت، X7: روابط جنسی، X8: فرزندان و فرزند پروری و X10: جهت گیری مذهبی البته به جز X9: رابطه خانواده با دوستان معنی دار می باشند.

در ادامه متغیر پنهان سبک های دلبستگی با متغیرهای آشکار یا مشاهده شده AAS1: سبک دلبستگی ایمن، AAS2: سبک دلبستگی اجتناب کردن، AAS3: سبک دلبستگی دوسوگرا معنی دار هستند. همچنین متغیر پنهان منبع کنترل با متغیرهای آشکار یا مشاهده شده Z1: منبع کنترل درونی، Z2: منبع کنترل بیرونی معنی دار می باشند.

جدول ۲. اوزان رگرسیون استاندارد شده

			Estimate
F2	<---	F1	۰/۵۷۹
F3	<---	F1	۰/۷۸۴
x10	<---	F1	۰/۳۱۰
x9	<---	F1	۰/۰۸۱
x8	<---	F1	۰/۷۴۰
x7	<---	F1	۰/۸۹۴
x6	<---	F1	۰/۸۹۹
x5	<---	F1	۰/۸۶۴
x4	<---	F1	۰/۸۸۶
x3	<---	F1	۰/۹۰۹
x2	<---	F1	۰/۸۶۰
X1	<---	F1	۰/۸۲۷
aas1	<---	F2	۰/۶۸۳
aas2	<---	F2	۰/۵۷۳
aas3	<---	F2	۰/۸۴۷
z1	<---	F3	۰/۷۶۱
z2	<---	F3	۰/۷۵۴

در توصیف اوزان رگرسیون استاندارد شده (β) نتایج نشان دادند که ۰/۵۷ درصد از واریانس منبع کنترل و ۰/۷۸ درصد از واریانس سبک های دلبستگی توسط رضایت زناشویی تبیین می شود. همچنین متغیر X10: جهت گیری مذهبی ۰/۳۱ درصد، X9: رابطه خانواده با دوستان ۰/۰۸ درصد، X8: فرزندان و فرزند پروری ۰/۷۴ درصد، X7: روابط جنسی ۰/۸۹ درصد، X6: فعالیت‌های اوقات فراغت ۰/۸۹ درصد، X5: مدیریت مالی ۰/۸۶ درصد، X4: حل تعارض ۰/۸۸

درصد، $X3$: ارتباطات ۰/۹۰ درصد، $X2$: مسایل شخصیتی ۰/۸۶ و $X1$: تحریف آرمانی ۰/۸۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می کنند. همچنین $AAS1$: سبک دلبستگی ایمن ۰/۶۸ درصد، $AAS2$: سبک دلبستگی اجتناب کردن ۰/۵۷ درصد و $AAS3$: سبک دلبستگی دوسوگرا ۰/۸۴ درصد از واریانس سبک دلبستگی را تبیین می کنند. و $Z1$: منبع کنترل درونی ۰/۷۶ درصد و $Z2$: منبع کنترل بیرونی ۰/۷۵ درصد از واریانس منبع کنترل را تبیین می کنند.

جدول ۳. مجذور همبستگی چندگانه

	Estimate
F3	۰/۶۱۵
F2	۰/۳۳۶

جدول مجذور همبستگی چندگانه نشان می دهد ۰/۶۱ از واریانس سبک های دلبستگی و ۰/۳۳ درصد از واریانس منبع کنترل توسط واریانس رضایت زناشویی تبیین شده است. ۰/۳۹ از واریانس باقی مانده سبک های دلبستگی و ۰/۶۷ از واریانس باقی مانده منبع کنترل توسط مدل تبیین نشده و در نتیجه منسوب به عامل های یگانه $e16$ و $e17$ یا همان خطاهای ساختاری می باشد.

در نهایت با مقادیر CFI در حد ۰/۷۹۱، GFI در حد ۰/۶۹۸، $AGFI$ در حد ۰/۵۸۸، که پایین تر از حد نرمال و $RMSEA$ در حد ۰/۱۷۳ که در حد غیر نرمال می باشد، می توان گفت مدل ارائه شده نمی تواند مناسب باشد و می بایست متغیرهای دیگری در معادله قرار گیرند.

محدودیت های پژوهش

در محدودیت ها محقق می تواند به دو نکته اصلی بپردازد. اول این که ممکن است نمونه منتخب معرف جامعه نبوده و به صورت تصادفی انتخاب نشده باشند؛ بنابراین در تعمیم آن باید جانب احتیاط را نگه داشت. نکته دوم این که ممکن است وسیله اندازه گیری از دقت لازم برخوردار نباشد، بنابراین در این مورد هم در خصوص تعمیم نتایج می بایست جانب احتیاط را نگه داشت.

پیشنهادها

- اجرای این پژوهش در نمونه و جامعه دیگر واحدهای دانشگاهی تا امکان تعمیم پذیری در سطح وسیع تر را فراهم می سازد.
- استفاده از روش طولی و نیاز به پژوهش‌های مربوط به این موضوع در ازدواج‌های طولانی مدت تر و در اواسط و اواخر زندگی زناشویی، جایی که با توجه به تقاضاهای محیط اطراف، نقش‌ها نیز تغییر می کند و زوجین تغییرات محیطی گوناگونی را تجربه می کنند، بیشتر احساس می شود.
- انجام پژوهش‌های مشابه در گروه‌های سنی و صنفی دیگر
- روش شناسی این پژوهش مبتنی بر استفاده از پرسشنامه به جای سنجش‌های رفتاری است که می تواند امکان عدم انطباق عوامل شخصیتی مورد سنجش با رفتارهای مرتبط با آن عوامل را در تعاملات زناشویی، در پی داشته باشد.
- در جوامع جمع گرا و شرقی، مانند جامعه ایران، عوامل دیگری به جز ویژگی‌های شخصیتی، مانند عوامل فرهنگی، عقیدتی، مذهبی و جهان بینی بیشتر از جوامع فردگرا، می تواند رضایت زوجین از زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد، که می توان از آن‌ها به عنوان عوامل فرا خانوادگی نام برد.
- استفاده از روش طولی و نیاز به پژوهش‌های مربوط به این موضوع در ازدواج‌های طولانی مدت تر و در اواسط و اواخر زندگی زناشویی، جایی که با توجه به تقاضاهای محیط اطراف نقش‌ها نیز تغییر می کنند و زوجین تغییرات محیطی گوناگونی را تجربه می کنند، بیشتر احساس می شود.

منابع

- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۳)، بررسی عوامل سازگاری زوجین در مقایسه دو روش مداخله‌ای تغییر شیوه زندگی و حل مشکل خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی، رساله دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- ایس، آلبرت. (۱۹۸۸)، زوج درمانی. ترجمه جواد صالحی و امین یزدی (۱۳۷۵) تهران: انتشارات میثاق.

- بیابان گرد، اسماعیل. (۱۳۷۰)، بررسی رابطه منبع کنترل، عزت نفس، پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- تابع جماعت، محمدرضا. (۱۳۸۶)، پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم و تحقیقات.
- تبریزی، مصطفی. (۱۳۸۳)، بررسی و مقایسه اثربخشی گروه درمانی تلفیقی زوج ها، شناخت درمانی گروهی بک و کتاب درمانی در کاهش ناراضیاتی زناشویی. رساله دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- تیموری، سعید و بخشی، ابراهیم. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی با ویژگی های شخصیتی. همایش منطقه ای بهداشت روان و جوان.
- جوانمرد، ماریا. (۱۳۸۵)، بررسی مقایسه‌ای رابطه‌ای بین منزلت‌های هویتی و رضامندی زناشویی متاهلان شاهد و غیرشاهد دانشجوی، پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رسولی، زینب. (۱۳۸۷)، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و منبع کنترل با میزان سازگاری زناشویی مراجعه کنندگان به مرکز مشاوره. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفاری مقدم، معظمه. (۱۳۷۸)، منبع کنترل و کاهش در استرس شغلی و شخصی. مشهد: نشر موسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- عارف نظری، مسعود. (۱۳۸۵)، مقایسه الگوهای دلبستگی در مردان یک همسر و چند همسر. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- عبادت پور، بهناز. (۱۳۷۹)، هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- فراست، زهرا. (۱۳۸۱)، بررسی و مقایسه منبع کنترل در رضایت زناشویی در بین زنان شاغل و خانه دار شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- فهلی، ابراهیم. (۱۳۷۸)، بررسی تأثیر منبع کنترل بر انگیزش شغلی دبیران شاغل در استان همدان. پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- کدیور، پروین. (۱۳۷۲)، سبک های تبیینی درماندگی آموخته شده و تأثیر انتظار معلم در کلاس های طبقه بندی شده. وزارت آموزش و پرورش، دفتر تحقیقات.

- کریمی، یوسف. (۱۳۷۴)، روان شناسی شخصیت، تهران: انتشارات ویرایش.
- گودرزی، ناصر. (۱۳۷۸)، بررسی رابطه زناشویی با منبع کنترل در کادر درمانی بیمارستان های تابع دانشگاه علوم پزشکی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صدا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱)، انسان و سرنوشت. (چاپ ششم) تهران: انتشارات صدا.

-Bentler, P.M, Newcomb, M.D, (1978). Longitudinal study of marital success and Failure, Journal of marital clinical Psychology vol. 46, p, 1953-1070.

-Bowlby, Y. (1973). Attachment and loss. Vol.1. Attachment London the Hogarth press and the institute of psycho-analysis.

-Feeney, J.A. (2002). Attachment, marital interaction, and relationship satisfaction: A diary study. Personal Relationships, 9, 39-55.

-Fincham, F.D. Harold, G.T. & Gano-Phillips, S. (2000). The longitudinal association between attributions and marital satisfaction: Direction of effects and role efficacy expectations. Journal of Family Psychology, 14, 267-285.

-Santayana, G. (2007). Spouse's personality may be hazardous to your health. Wedsworth.

-Spangler, G. & Grossman, K.F. (1993). Biobehavioral organization in securely and insecurely attached infants, Child Development, 64: 1432-1480.

-www.iernet.org

-www.iranscience.net

-www.irandoc.ac.ir

-http://www.redme.org/

-http://www.redme.org/